

و نیز بیاضی (۱۱/۹۸، ۲۰۲، ۳۲۴، ۸/۲، ۷۹، ۷۷/۳)، کرد. همچنین ابوالفتح رازی در تفسیر خود به اشعار وی استشهاد کرده است (۶/۱۷۰، ۱۷۱، جم). در مورد آثار او، نکته‌ای که جلب نظر می‌کند، آن است که در منابع اولیه اشعار وی قطعه‌هایی کوتاه است که به جهت استشهاد و استدلال اورده شده است، اما ناگهان در مأخذ متأخر قصاید بلند و مزایی بسیاری منسوب به وی دیده‌اند. چنانکه در الغدیر دیوان شعری با ۲۰۰ بیت به او نسبت داده شده است (ایینی، ۱۷۱/۴). علاوه بر این حمد، چند شاعر دیگر می‌شناشیم که به همین نام شهرت داشته‌اند و چنانکه اشاره شد – این امر به خلط میان نام و آثار آنان انجامیده است. یکی از اینان علی بن حماد واسطی عالم و شاعر امامی در قرن ۷ ق/۱۳ م است (افتندی، ۷۳، ۷۲/۴) و دیگری علی بن حماد آزادی بصری است و قاضی شوشتاری دو قصیده یکی باشند و دیگری تائیه نقل کرده که ظاهرآ منسوب به وی داشته است (۲/۵۵۹-۵۶۵؛ قمی، ۲۶۵/۱)، حال آنکه اینی (۱۷۰/۴) آن دو قصیده را در شمار آثار ابن حماد واسطی آورده است. به نظر می‌رسد که این هر دو یک شخص بوده باشند. شاعر دیگر، محمد بن حماد است که صاحب الحصون المنيعه از وی به عنوان شاعری ادب و فاضل یاد می‌کند که معاصر خلیعی شاعر بوده است و نزدیک به ۲۰۰ قصیده در مدح و رثای امام حسین (ع) دارد و در ۹۰۰ ق/۱۴۹۵ م در حله در گذشته است (نک: خاقانی، ۳۸۶/۴). اینی می‌گوید: بعضی از قصاید وی را اشتباهآ به ابن حماد [موضوع این مقاله] نسبت داده‌اند، حال آنکه در پایان بعضی از قصاید نام شاعر واقعی صریحاً ذکر شده است (۱۷۰/۴) – ۱۷۱ و جای شکننده است که او خود نیز همین اشتباه را تکرار کرده و اشعار آن ابن حماد را به ابن حماد مانه نسبت داده است (قس: خاقانی، ۳۹۰/۴ - ۳۹۷، ۳۹۷ - ۳۹۸) و از همین جاست که اشعار ابن حماد عبدی در الغدیر به حدود ۵۰۰ بیت رسیده است. طریحی نیز در منتخب اشعار و قصاید فراوانی درباره واقعه کربلا از ابن حماد آورده است، اما بجز یک مورد (ص ۴۷۲) که نام محمد بن حماد را ذکر کرده، در اشعار دیگر به عنوان «ابن حماد» بدون ذکر نام و کیه بسته کرده است و همین باعث شده که بعضی از علماء این اشعار را به ابن حماد بصری نسبت دهند (قس: حائری، همانجا). از مقایسه اشعار نقل شده به وسیله ابن شهر آشوب و طریحی از ابن حماد می‌توان دو سبک متفاوت شعری را تشخیص داد، دسته اول بیشتر در مناقب و موضوع امامت علی (ع) و اهل بیت و همه مستند به روایات است. دسته دوم بیشتر در رثای امام حسین (ع) و خاندان و اصحاب اوست و لاجرم عاطفه و احساس بر آنها غلبه دارد و مورد توجه صاحبان مقاتل بوده است. همچنین بعضی از اشعار ابن حماد در منتخب (طریحی، ۲۴ - ۳۵، ۴۷۲ - ۳۸۷، ۳۸۵ - ۳۸۷) را خاقانی در شعراء الحلة ذیل محمد بن حماد آورده است. بنابراین می‌توان گفت که اشعار ابن حماد در منتخب از آن ابن حماد بصری نیست.

ایلاری، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایة الارب، به کوشش
احمد کمال زکی و محمد مصطفی زناده، قاهره، ۱۹۸۰م؛ نیز:

ابن حماد، ابوالحسن علی بن حماد بن عبیدالله بن حماد عبدي بصرى، فقيه، محدث و شاعر امامي سدهٔ ۴ق/۱۰م. در نسبت وي که عبدي (منسوب به عبدالقيس) یا عَذُوی (منسوب به بنی عدى) بوده است، ميان محققان اختلاف است (نجاشى، ۲۴۴؛ علامه حلى، ایضاً، باب علی: حاثري، ۲۱۵؛ خوبی، ۳۹۶/۱۱؛ حرّ عاملی، ۱۸۶/۲؛ افندى، ۷۰/۴). عبدي نسبت يکي دیگر از شعرای اهل بيت يعني سيف يا سفيان بن مصعب بوده و اين امر سبب اشتباه برخى از رجال شناسان شده است. اين شهر آشوب ذليل «ابوالحسين علی بن حماد» گفته است: «يکي از صادقين عليه السلام فرموده: شعر عبدي را فرا گيريد که او بن دين خدا بود» (معالم، ۱۴۷)، اما اين مطلب درست به نظر نمى رسد. نخست به اين دليل که همین حدیث را کشتي با اندک تغیيری از امام صادق (ع) درباره سفيان بن مصعب ذكر کرده است (طوسى)، ۴۰۱ و اين احتمال که مقصود از صادقين، علمای ثقة اماميه باشند (افندى، ۷۱/۴)، نيز ضعيف است. دوم آنکه نجاشى (همانجا) در اوائل عمر خود وي را درک کرده است، بنابر اين او معاصر امام صادق (ع) نبوده است تا درباره شعرش چنین مطلبی گفته شود، افرون بر اين اين شهر آشوب (معالم، ۱۵۱)، سفيان بن مصعب را در شمار اصحاب امام صادق (ع) ذکر کرده است و در مناقب خود اشعاری به ابن حماد و عبدي نسبت داده که دليل بر تمایز اين دو در نزد وي است.

از تاريخ ولادت وفات او اطلاع دقيقی در دست نیست. اما على اين محمد صوفی که حدود ۳۸۷-۳۹۰ق (مهدوی، مقمه، ۱۲۱) زاده شده، در كتاب المجدی (ص ۱۵۸) گفته است: ابو على بن دانيال که از خوشان من بود، قصيدة‌اي برای من نقل کرد که ابن حماد برای او انشاد کرده بود. از اين روى توان حدس زد که وي در طبقه شيخ صدق (د ۳۸۱ق/۹۹۱م) بوده و در اوائل سدهٔ ۴ق به دنيا آمده و در اواخر آن وفات یافته است (آقا بزرگ، ۱۸۵؛ افندى، ۷۱/۴).

از مشایخ اجازه این حماد، عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی
 جلوی از محدثان بزرگ امامیه است (نجاشی، همانجا)، و شاگرد
 بر جسته وی حسین بن عیبدالله غضائی است که این حماد یکی از
 مشایخ اجازه او بوده است و همین خود دلالت بر وثائقت وی نیز دارد.
 از این حماد اشعار بسیاری در کتابهای شیعه نقل شده است که
 همگی در مدح و ربای ائمه معصومین (ع) و ذکر مناقب و احوال ایشان
 است. اشعار وی نشان از وسعت دانش او در اخبار اهل بیت دارد و از
 خیال بردازیهای شاعرانه نهی است و همه با پراهمیتی بر قرآن و
 حدیث، برای دفاع از مذهب امامیه سروده شده است. برای تمعنه
 می توان به اشعار وی درباره ماجراهای غدیر خم، مناقب و امامت علی
 (ع) و چشتیان او، به این شهر آشوب (مناقب، ۲۵۶، ۲۵۱/۱، ۲۵۷-
 ۳۱۸، ح. ۲/۳، ۴، ۹۲، ۹۳، ح. ۱۹/۳، ۴۸، ۴۱/۴، حم.)

حماد بن نعمان بن ثابت بن نعمان بن مربیان، از آزادگان فارس هست و خداوند هرگز ما را به برگی نینکنده است. اسماعیل، فقه را برمذہب جدش ابوحنیفه از پدرش حماد و حسن بن زیاد فراگرفت. ولی جدش را درک نکرد (عباس، ۳۴۹/۷) و نیز از مالک بن مغول و محمدبن عبدالرحمن بن ابی ذنب و ابوشهاب حنفی حدیث شنید (خطیب، ۲۴۳/۶). ابن حماد در ۱۹۴ ق قاضی رصافه بوده (همانجا) و پس از قاسم بن معن قاضی کوفه شد (صیری، ۱۴۵) و پس از محمد بن عبدالله انصاری از جانب محمد امین به قضایت جانب شرقی بغداد رسید و مدتی بعد کنار رفت (خطیب، ۲۴۳/۶ - ۲۴۴). در ۲۰۸ ق محمدبن سماعه - قاضی جانب غربی بغداد (ابن ندیم، ۲۰۵) - از قضایت استغفار کرد و مأمون پس از پذیرفتن استغفاری او اسماعیل بن حماد را به جای او تعیین کرد (طبری، ۵۹۷/۸). همچنین هنگامی که مأمون یحیی بن اکثم را از قضای بصره معزول کرد، ابن حماد به جای او تعیین شد و در ۲۱۰ ق به بصره آمد (وکیع، ۱۶۷)، ابن حماد پس از سالی از قضای بصره برکار و عیسی بن ابیان به جای او منصب شد (خطیب، ۲۴۴/۶). اما صیری می‌نویسد که او در آن مقام بود تا به بیماری فالج مبتلا گردید (ص ۱۴۳). ابن ابی الوفا (ص ۱۴۸) از قضایت او در رقه نیز یاد کرده است. وکیع (۱۶۹) و صیری (ص ۱۴۳ - ۱۴۵) از ابن حماد و قضایت او نکته‌های متعدد و جالبی نقل کرده‌اند و اولی، او را سلفی مذهب خوانده است. از محمد بن عبدالله انصاری نقل شده است که از روزگار عمر بن خطاب تا دوران او قاضیی داناتر از ابن حماد نیامده و او در امر قضای احسن بصری نیز برتر بوده است (خطیب، ۲۴۴/۶؛ ذہبی، میزان، ۲۲۶/۱). ابن عدی جرجانی (۳۰۸/۱) این حماد و پدر و جدش را در شمار ضعفاء آورده است. ابن جوزی (۱۱۰/۱) و ذہبی (المغنى، ۸۰/۱، میزان، ۲۲۶/۱) نیز همین قول را نقل کرده‌اند.

از ابن حماد، غسان بن مفضل غلابی، عمر بن ابراهیم ثقی (یا نسقی؛ ابن ابی الوفا، ۴۸)، سهل بن عثمان عسکری، عبدالمؤمن علی رازی (خطیب، ۲۴۳/۶)، زعفرانی و عمر بن عبدالله اودی روایت کرده‌اند. (ابن ابی حاتم، ۱/۱۶۵) و ابوسعید بردعی از او فقه آموخت (ابن ابی الوفا، ۱۴۸). از سعیدبن سلم باهلى نقل شده است که ابن حماد در دارالمأمون گفت که: قرآن مخلوق است و این دین من و پدر و جد من است (ابن عدی، ۳۰۸/۱). از سبط ابن جوزی نقل شده است که ابن حماد این سخن را از روی تقدیه در برابر مأمون گفته است (صفدی، ۱۱۱/۹). وی به زهد و عبادت و عدل در احکام مشهور بود (ذهبی، العبر، ۲۸۴/۱).

از آثار او الجامع فی الفقه، الرد علی القدریة، رسالهای به پستی و کتاب الارجاء را نام برده‌اند (ابن ابی الوفا، ۱۴۸).

ماخذه: ابن ابی حاتم، محمدبن ادريس الجرج و التسلیل، بیروت، ۱۳۷۱ ق / ۱۹۰۲ م؛ ابن ابی الوفا، عبدالقادر، الجواهر المضیة، حیدر آباد دک، ۱۳۲۲ ق؛ ابن جوزی، عبدالرحمن، کتاب الصفاء و المتروکین، به کوشش ابوالثناه عبدالله قاضی، بیروت،

بیتی جنجالی در مدح علی (ع) به ابن حماد نسبت داده شده که درباره آن نظرهای گوناگون ابراز شده است (شوشتري، ۵۶۵/۲). آن بیت چنین است:

ضل الامین و صدھا عن حیدر تالله ما كان الامين امينا
يعنى «امین»، گمراه شد و «آن» را از حیدر باز داشت. سوکند به خدا امین امانت نداشت. اختلاف در معنای «امین» و مرجع ضمیر «ها» است. بعضی از مخالفان شیعه گفته‌اند: مقصود از امین، جبرئیل است و ضمیر به رسالت و وحی باز می‌گردد (نکحائزی، همانجا) و این عقیده فرقه ذمایه از غلاة شیعه است که جبرئیل را به جهت اشتباہش در تقدیم رسالت به محمد (ص) به جای علی بن ابی طالب (ع) سرزنش کرده‌اند (ابن جوزی، ۹۸). اما با توجه به اینکه امامیه غالیان را کافر می‌دانند (مفید، ۶۳) و نیز اعتقاد ابن حماد به امین بودن جبرئیل و خاتیمت حضرت محمد (ص) (ابن شهر آشوب، مناقب، ۲۹/۳، ۶۶، ۲۶۱، ۲۹۵) این گفته صحیح به نظر نمی‌رسد. بعضی گفته‌اند: مقصود از امین، امین اسلام در نزد مردم و آنچه در روز شورا انجام داده است، بوده که در این صورت مرجع ضمیر خلافت است (حائزی، همانجا). در این میان نظر شوشتري (۵۶۷ - ۵۶۶/۲) با توجه به اعتقادات ابن حماد درست‌تر به نظر می‌آید. وی گفته است منظور تعریض به ابو عیلیه جراح است که امین امت لقب یافته (بخاری، ۲۱۶/۴) و در مسأله خلافت ابوبکر بسیار کوشیده بود.

ماخذه: آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعیة، قرن ۴، بیروت، ۱۲۹۰ ق / ۱۷۰/۱؛ ابن جوزی، عبدالرحمن، تلبیس ابیلس، قاهر، ۱۳۶۸ ق / ۱۹۴۹ م؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، نعلان العلماء، نجف، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۰ م؛ هو، مناقب آل ابی طالب، قم، المطبعة العلمیة؛ ابن صوفی، علی بن محمد المجدی، به کوشش محمود مهدوی دامغانی، قم، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م؛ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، تفسیره کوشش ابوالحسن شیرازی و علی اکبر غفاری، تهران، ۱۲۸۳ ق؛ اندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حبینی، قم، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ امینی، عبدالحسین، الفدیر، بیروت، ۱۲۸۷ ق / ۱۹۶۷ م؛ ابخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، بیروت، دارالکتب العلمیة؛ یاضی، علی بن یوسف، الصراط المستقیم، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ حائزی، ابی القاسم، سمعجم رجال الحديث، بیروت، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۵۲ م؛ شرشری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۵ م؛ طرسی، محمد بن طرسی، فخرالدین بن محمد، المنتخب، تحفه، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۱ م؛ علی، حسن، اخبار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفی، مشهد، ۱۳۴۸ م؛ علی، حسن، اخبار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفی، مشهد، ۱۳۴۸ م؛ حسن بن یوسف، اپیاخان الاشیاء، تهران، ۱۳۲۹ ق / ۱۹۰۱ م؛ عباس، الکنی والالباب، تهران، ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م؛ مفید، محمد بن یعنان، تصحیح عقائد الصدوق، تبریز، ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۱ م؛ مهدوی، محمد (نکحائزی، همانجا)، احمد بن علی، رجال، به کوشش موسی شیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛ احمد بادگردی هزاره،

ابن حماد، ابوحنیان اسماعیل بن حمادین ابوحنیفة کوفی، قاضی و فقیه حنفی (د ۲۱۲ ق / ۸۲۷ م). نیای بزرگ او اهل کابل بود و برخی او را منسوب به بابل یا ابیار یا نسا یا ترمذ دانسته‌اند (ابن ندیم، ۲۵۵؛ ابن خلکان، ۴۰۵/۵). از اسماعیل نقل شده است که: من اسماعیل بن